**فصلنامه علمي – پژوهشي نظريه‏هاي اجتماعي متفكران مسلمان / سال یازدهم/ شماره سوم/ پاییز 1400/ ص 35- 56**

**اصول حاکم برارتباطات میان فرهنگی در اندیشة
 آیت‌الله خامنه‌ای**

**تاریخ دریافت: 30/02/1400 تاریخ پذیرش: 25/04/1400**

**حسن یوسف‌زاده[[1]](#footnote-1)**

**چكيده**

مهم‌ترین ویژگی عصر حاضر، پررنگ‌شدن ارتباطات میان‌فرهنگی در کنار ارتباطات درون‌فرهنگی و فرافرهنگی است. رشد و گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی، زمینه‌های فشردگی ارتباطات و کمرنگ‌شدن مرزهای جغرافیایی را فراهم و مردمان اقصی نقاط جهان را به‌گونه‌ای به هم نزدیک کرده است که ارتباط با افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف گریزناپذیر شده است. همین امر، مسائل فراوانی را به‌دنبال داشته است؛ اینکه آیا ارتباط با افرادی که از نظر فرهنگی ممکن است تفاوت‌های جدی با ما (مسلمانان) داشته باشند، نیازمند رعایت چارچوب‌های هنجاری خاص است؟ پژوهش با هدف دستیابی به مسئلۀ مذکور و با روش توصیفی-تحلیلی، اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که رعایت دست‌کم 4 اصل شامل دعوت، عدالت، حفظ استقلال و عزتمندی و تمسک به مشترکات در ارتباطات میان‌فرهنگی توصیه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی**: ارتباطات میان‌فرهنگی، اسلام، استقلال، تقیۀ مداراتی، خامنه‌ای، دعوت، مشترکات.

# مقدمه و بیان مسئله

ارتباطات میان‌فرهنگی سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد و حتی می‌توان گفت در طول تاریخ بشر همواره به شکلی وجود داشته است؛ با این ویژگی که در گذر زمان بر شدت و گسترش آن افزوده شده و در چند دهۀ اخیر به اوج خود رسیده است. امروزه درحالی‌که جمعیت جهان به مرز هشت میلیارد نفر نزدیک می‌شود، اختراعات و توسعۀ فناوری‌های ارتباطی مردم سراسر جهان را بیش‌ازپیش به هم نزدیک‌تر کرده و ارتباطات میان آن‌ها را ناگزیر ساخته است. درواقع تحولات فناورانه و سیاسی-اجتماعی جهان را به کره‌ای کوچک برای سکونت مبدل ساخته است؛ امکانی که رسانه‌های جمعی برای انتقال رویدادهای خبری از اقصی نقاط دنیا به منازل، بازار و مدارس فراهم ساختند، به‌طور شگفت‌انگیزی فاصلۀ میان مردمان متعلق به فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را کاهش داد. در حال حاضر سیستم‌های مخابراتی، جهان را از طریق ماهواره‌ها و فیبرها به هم متصل می‌کند. جت‌های باکیفیت مردم را با سرعتی بیش از سرعت صوت از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌کنند. دشمنان دیرین امروز با هم همسایه شده‌اند. مهاجرت‌های انبوه اختلاط اقوام، نژادها و ملیت‌ها و پیروان ادیان مختلف را ناگزیر ساخته است. گردشگری رشد کرده است. دانشجویان به قصد تحصیل مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردند و حتی ازدواج‌های میان‌فرهنگی به پدیده‌ای شایع تبدیل شده است.

اما از آنجا که ارتباطات میان‌فرهنگی دارای ابعاد فلسفی، کلامی، اخلاقی و فقهی است، بررسی اندیشه‌های فقهای بزرگ اسلامی را ضروری می‌کند. بدین ترتیب با مسئله‌ای مواجه می‌شویم مبنی بر اینکه شخصیت‌ها و متفکران معاصر جهان اسلام به‌ویژه فقها، با توجه به هم‌عصربودن با شرایط و تحولات پدیدآمده در حیات جمعی بشر، چه نگاهی به ارتباط میان‌فرهنگی دارند. طبیعی است که عدم امکان بررسی اندیشه‌های همۀ متفکران عصر حاضر در ابعاد چهارگانه (کلامی، اخلاقی، فقهی و حتی سیرۀ عملی)، ضرورت محدودشدن پژوهش را به تعداد قابل‌بررسی به‌دنبال دارد و اگر چنین است چه معیاری برای انتخاب متفکران موردبررسی وجود دارد؟ فارغ از همۀ معیارهای ممکن، معاصرت و گسترۀ تأثیرگذاری، دو معیاری است که در این تحقیق می‌تواند راهگشا باشد. طبق این معیارها، بررسی دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در اولویت قرار می‌گیرد.

# هدف و پرسش تحقیق

هدف از ارائۀ این پژوهش، بررسی ظرفیت‌های اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌منظور دستیابی به چارچوبی است که در ارتباطات میان‌فرهنگی می‌تواند به‌مثابۀ راهنمای عمل به‌ویژه برای کارگزاران جوامع اسلامی و دانشجویان در خارج کشور قرار گیرد. ارتباط مسلمانان، به‌ویژه شیعیان با غیرمسلمانان یکی از دغدغه‌های مهم ایشان است که علاوه بر بیانات متعدد، در نامه‌های ایشان به جوانان غرب مورداهتمام بوده است؛ بنابراین می‌توان پرسشی اساسی مطرح کرد مبنی بر اینکه اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست.

# پیشینۀ تحقیق

پژوهش‌ها در موضوع ارتباط میان‌فرهنگی در مغرب زمین و به زبان‌های غیرفارسی فراوان است، اما در زبان فارسی، به‌ویژه از منظر هنجارشناختی، آثار معدودی به‌ چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به «جهانگردی: ارتباطی میان‌فرهنگی» به ‌قلم محمدهادی همایون (1384)، «درآمدی بر نظریۀ ارتباط میان‌فرهنگی» نوشتۀ علی سلیمی (1385) و «ارتباطات در جامعۀ اسلامی متکثر فرهنگی» نوشتۀ ناصر باهنر (1387) اشاره کرد. درخصوص بررسی اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای آثار فراوان و ارزشمندی منتشر شده است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهش مشابهی با مطالعۀ حاضر وجود ندارد. این مطالعه با استفاده از ادبیات ارتباطات میان‌فرهنگی، نگاهی ویژه به اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی دارد.

# چارچوب مفهومی (تعریف مفاهیم)

عنوان مقاله شامل دو مفهوم اصلی، یعنی «اصل» و «ارتباطات میان‌فرهنگی» است که در اینجا تعریفی اجمالی از هرکدام ارائه می‌شود.

**1. اصل**

اصل هر چیز پایه و قاعدۀ آن است (راغب، مفردات، ذیل واژه). مرور اجمالی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و مقوله‌بندی گزاره‌های زیرساختی مرتبط با ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی مجموعه‌ای از ویژگی‌های کلی را در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌تواند به‌مثابۀ چارچوبی برای ارتباطات هنجاری در عرصۀ میان‌فرهنگی استفاده شوند. این ویژگی‌ها تمایز اساسی ارتباطات اسلامی را در این عرصه نشان می‌دهد. در پژوهش از این ویژگی‌های کلی با عنوان «اصول» تعبیر شده است. از بررسی اندیشۀ اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای به چند اصل می‌توان دست یافت که به‌اجمال عبارت‌اند از: اصل دعوت، اصل عدالت‌مداری، اصل عزتمندی و استقلال، اصل تمسک به مشترکات و اصل تقیۀ مداراتی که هرکدام جایگاه، شرایط و اقتضائات خود را دارد.

**2. ارتباطات میان‌فرهنگی**

قرارگرفتن در وضعیت‌های ناآشنا و بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌های ما برای ارتباط با دیگران که عمدتاً با بی‌اعتنایی آن‌ها همراه می‌شود و نیز ناکامی در فهم معانی ارتباطات آن‌ها ممکن است سبب شود تا احساس ناخوشایندی به ما دست دهد و در این شرایط احتمالاً دیگران را به بی‌فرهنگ‌بودن یا بی‌احساس‌بودن و بی‌نزاکتی متهم می‌سازیم؛ غافل از اینکه چنین رفتاری با غریبه‌ها برای آنان کاملاً طبیعی است و برعکس، تلاش ما برای ارتباط‌گیری و صمیمی‌شدن را غیرطبیعی قلمداد می‌کنند. این شرایط که با «فضای چندفرهنگی» هم از آن تعبیر می‌شود، در قلمروی مطالعات میان‌فرهنگی قرار دارد. ارتباط میان‌فرهنگی دقیقاً ناظر به شرایطی است که به‌دلیل احساس فاصله و بیگانگی، تفاهم و درک متقابل به یک مسئلۀ جدی تبدیل می‌شود و در شکل حاد آن، فرد را دچار استرس و سردرگمی می‌کند. این مسئله به‌قدری اهمیت دارد که ممکن است فرد را برای همیشه از حضور در شرایط ابهام‌آلود و از نظر فرهنگی پیچیده باز بدارد (یوسف‌زاده، 1397)؛ به همین دلیل جیمز چمبرلین در مقدمۀ کتاب دریک اوتلی به این نکته اذعان می‌کند که «سازگاری در محیط‌های بیگانه و کنارآمدن با بیگانگان در یک کشور بیگانه، یکی از مسائل اساسی بشر در عصر حاضر است» (اوتلی، 2004: 7). در حقیقت نگاه‌های ما به جهان و انسان (فرهنگ ما) نحوۀ ارتباط ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برای فهم معنای رفتار دیگران همواره ناگزیر از رمزگشایی هستیم. «وقتی پیام‌ها در سراسر مرزهای فرهنگی انتقال می‌یابند، در بافتی رمزگذاری و در بافتی دیگر رمزخوانی می‌شوند، ارتباطات میان‌فرهنگی برقرار می‌شود (اسمیت، 1383: 239). درواقع، «ارتباطات میان‌فرهنگی زمانی روی می‌دهد که تولیدکننده پیام عضو یک فرهنگ و دریافت‌کننده آن عضوی از یک فرهنگ دیگر باشد» (سموار و پرتر، 1988: 15) و درنهایت، تینگ تومی ارتباطات میان‌فرهنگی را به‌عنوان «فرایند مبادلۀ نمادین که از طریق آن افرادی از اجتماعات فرهنگی گوناگون در وضعیتی تعاملی بر سر معانی مشترک مذاکره می‌کنند» تعریف کرده است (Toomey, 1999: 16).

# روش تحقیق

پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. داده‌های تحقیق عمدتاً از آثار مربوط به آیت‌الله خامنه‌ای و سخنرانی‌های ایشان به‌دست آمده است. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل متن و تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش کیفی استفاده شده است. به این معنا که ابتدا مطالب مربوطه به‌صورت فیش گردآوری شده و با خوانش مجدد، داده‌ها در چند مرحله طبقه‌بندی و بازطبقه‌بندی شده و درنهایت، چارچوب‌های به‌دست‌آمده، در قالب اصول حاکم ارائه شده است. با این توضیح که اصول ارائه‌شده، از سویی ناظر به جنبۀ هنجارشناختی ارتباطات میان‌فرهنگی و از سوی دیگر ناظر به مسائل موجود در دیدگاه‌های میان‌فرهنگی متداول است.

# یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در پاسخ به این پرسش اساسی ساماندهی می‌شود که اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای کدام است. با استناد به آرا و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان دست‌کم 5 اصل را در عرصۀ ارتباطات میان‌فرهنگی به شرح ذیل برشمرد که البته ترتیب چینش آن‌ها خالی از تسامح نیست.

**1. اصل دعوت**

اصل اولیه در ارتباطات میان‌فرهنگی دعوت است. این اصل روح همۀ ارتباطات مسلمانان در همۀ ساحت‌های اجتماعی است که آیۀ 125 سورۀ نحل استفاده می‌شود. متعلق دعوت راه پروردگار (سبیل ربک) است. همچنان که دعوت به اسلام، دعوت به خدای یگانه است، دعوت به راه و رسم واقعی حضرت مسیح و موسای کلیم نیز دعوت به توحید و سعادتمندی است. تلاش در این زمینه، وظیفۀ ایمانی و انسانی هر مسلمان است. «اهداف انسانی و والای خودمان را که از اسلام گرفته‌ایم، در معرض نگاه و دید همۀ بشریت بگذاریم و بشریت را دعوت کنیم به آن چیزی که اسلام به بشریت هدیه می‌دهد» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، 20 شهریور 1392). هر حرکت و تلاشی که زمینۀ خوش‌بینی و گرایش دیگران به اسلام را فراهم سازد، موجب سرافرازی است: «امروز بحمدالله پرچم اسلام در دست ملت و نظام است. امیدواریم ... مایۀ آبروی اسلام در سطح عالم بشویم؛ و نه‌فقط ملت‌های مسلمان را امید ببخشیم، بلکه غیرمسلمانان را هم به اسلام مجذوب کنیم و آن‌ها را به‌سمت اسلام بکشانیم»، (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، 12 اسفند 1370). در مقابل، رفتارهای نادرست نیز به همین میزان مایۀ شرمندگی است: «نباید کاری کنیم که آحاد جامعۀ اسلامی برتر، ... در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به‌عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند.» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد، 17 خرداد 1373). در همین بافت اندیشه‌ای و با نگاه به کارکرد اصل دعوت است که رفتارهایی مانند «قمه‌زن» نابهنجار و ناشایست قلمداد می‌شود: «من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب -قمه‌زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم.» (همان) در چنین مسائلی نیت مؤمنان هنجارمندی و درستی آن عمل را توجیه نمی‌کند. پژواک این‌گونه رفتارها چون چهرۀ اسلام را مخدوش می‌سازد و مسیر گرایش به اسلام را آشفته و کدر جلوه می‌دهد، متعلق حرمت قرار می‌گیرد؛ بنابراین اصل دعوت چارچوبی است که رفتارها و تعاملات بهنجار و نابهنجار ما به‌عنوان مسلمان در شرایط زمانی و مکانی گوناگون را مشخص می‌سازد. «بارها به خود و دوستانم گفته‌ام مبادا ما آن مؤذن بدصدا باشیم که عشق به اسلام را در دل‌ها فروبنشانیم و استفهام عظیمی را که در دنیا برای شناخت اسلام به‌وجود آمده است، با پاسخ منکر و زشتی پاسخ دهیم» (بیانات در مراسم بیعت طلاب و فضلای حوزۀ علمیۀ مشهد، 20 تیرماه 1368). درواقع هر چیزی که به نفع دشمنان اسلام باشد یا در مسیر دعوت و گرایش به اسلام خلل ایجاد کند، مذموم خواهد بود. از این منظر یکی از دلایل تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر وحدت میان مسلمانان، و «سم مهلک بودن» اختلاف و تفرقه (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، 29 مرداد 1391)، نقش آن در نگاه دشمنان به اسلام است: «شعار وحدت مسلمین را یک مسئلۀ استراتژیک می‌دانم - یک مسئلۀ تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم - مسلمانان، به‌تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ زیرا در خدمت دشمنان است.» (بیانات در 26 فروردین 1369).

**2. اصل عدالت**

رویکرد اسلام به ارتباطات میان‌فرهنگی بر پایۀ اصل دعوت قرار دارد که اصلی فراگیر است. از این‌رو ارتباطات میان‌فرهنگی در اسلام نیز در بستر ارتباطات هنجاری و توصیه‌ای جای می‌گیرد و هدف نهایی از ارتباط با غیرمسلمانان می‌تواند دعوت آنان به اسلام باشد، ولی ارتباط و چگونگی دعوت را اصول دیگر بیان می‌کنند. اصل عدالت، ناظر به شیوۀ تعاملات است. شیوۀ تعاملات نیز به هر شکلی که برقرار گردد، باید براساس اصل عدالت قرار گیرد. همۀ ارتباطات مسلمانان در همۀ ساحت‌های ارتباطی باید عادلانه باشد و در این میان تفاوتی میان ارتباط با مسلمان و غیرمسلمان نیست. این اصل فرازمانی و فرامکانی است. نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای مملو از توصیه‌هایی است که تعامل عادلانه با همۀ مخاطبان را به پیروان اسلام گوشزد می‌کند: «ما از اسلام آموخته‌ایم که باید با پیروان ادیان دیگر با انصاف و عدالت برخورد کرد. این حکم اسلام به ما است» (بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، 6 بهمن 139). برخورد عادلانه با انسان‌های دیگر کف انتظارات است و هیچ معیاری جز انسان‌بودن آن را محدود نمی‌کند؛ انتظاری که به حق حیات و همزیستی انسان‌ها با همدیگر مربوط می‌شود. از همین‌رو آیت‌الله خامنه‌ای به دولت‌های مدعی آزادی و عدالت انتقاد می‌کند که این مهم را در مورد مسلمانان رعایت نمی‌کنند: «قدرت‌ها و دولت‌های مدعی انصاف و عدالت، هیچ انصاف و عدالتی را جز در دایرۀ سیاست‌های تنگ و محدود و ظالمانۀ خودشان ملاحظه و مراعات نمی‌کنند. بحث این نیست که چرا مسلمان‌ها آزادی لازم را در بسیاری از این کشورها ندارند؛ بحث بر سر این است که چرا امنیت جانی ندارند!» (همان). نه‌فقط عدالت درمورد مسلمانان رعایت نمی‌شود، بلکه برخورد تبعیض‌آمیز با آن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی نیز توصیه و تشدید می‌شود؛ برای مثال، همین فیلم «تک‌تیرانداز» که حالا سروصدایش بلند شده و هالیوود آن را درست کرده است، تشویق می‌کند. فرض کنید یک جوان مسیحی تا آنجا که می‌تواند و از دستش برمی‌آید مسلمان را اذیت بکند. این روش موردپسند اسلام نیست؛ اسلام به انصاف معتقد است» (بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، 6 بهمن 1393). شیعیان برای ارتباطات میان‌فرهنگی و شیوۀ تعامل با دیگران اسوه و الگو دارند. علی علیه‌السلام نمونۀ کامل انسان عادل است. «ایشان در آن قضیۀ حمله به شهر انبار می‌فرماید: من شنیده‌ام این افرادی که به این شهر حمله کردند، وارد خانۀ زن مسلمان و زن غیرمسلمان – معاهده (یعنی یهود و نصارایی که پیمان دارند و در زیر سایۀ حکومت اسلامی زندگی می‌کنند) می‌شوند و «یأخُذُ حِجلَها» و آن‌ها را اذیت و آزار می‌کنند، ظلم می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبۀ 27). بعد حضرت می‌فرمایند: اگر مسلمان از این غم بمیرد، مورد ملامت نیست؛ نظر اسلام این است» (بیانات در دیدار با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، 6 بهمن 1393). مسلمانان نه‌فقط حضرت علی علیه‌السلام را اسوه و الگو در ارتباطات میان‌فرهنگی می‌دانند، بلکه حضرت مسیح را نیز منادی عدل و عدالت می‌دانند. «عیسی بن مریم علیه‌السلام منادی رحمت و برکت و هدایت الهی برای انسان‌ها بود. او در تاریکی شرک و ظلم و دنیای آلوده به گناه و گمراهی، نور هدایتی بود که همۀ انسان‌ها را به‌سمت خدا هدایت کرد و زلال رحمتی بود که جان‌ها و دل‌ها را شست‌وشو می‌داد. او پرچم‌دار عدالتی آسمانی بود که ستمدیدگان زمین را به رهایی از اسارت قدرت‌های ستمگر و قلدران متجاوز فرامی‌خواند (خامنه‌ای،‌ پیام به مناسبت سال جدید میلادی، 10 آذر 1366). عیسی مسیح (علیه‌السلام) مجهز به معجزه و دعوت الهی برای نجات بشر از ظلمات شرک و کفر و جهل و ظلم و رسانیدن وی به نور معرفت و عدل و عبودیت پروردگار مبعوث گشت و در همۀ مدت اقامت خود در میان انسان‌ها لحظه‌ای در مبارزه با بدی و دعوت به نیکی درنگ نفرمود. این درسی است که مسیحیان و مسلمانان که معتقدان به نبوت آن بزرگوارند، باید فراگیرند. (همو، پیام به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع)، 12 دی‌ماه 1372).

**3. اصل حفظ استقلال و عزتمندی**

تنظیم روابط اجتماعی مسلمانان با اقلیت‌ها نباید به‌گونه‌ای باشد که سبب وابستگی و سرسپردگی مسلمانان گردد؛ به‌‌طوری‌که استقلال جامعۀ اسلامی را به خطر اندازد (هود: 13؛ بقره: 107؛ نساء: 141). طبق آیۀ شریفۀ 54 سورۀ مائده، فروتنی در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران یک اصل مسلم است. در سطح میان‌فردی فتاوایی از آیت‌الله خامنه‌ای نقل شده است که مسلمانان را از ارتباطی منع کرده‌اند که استقلال و عزت آن‌ها را زیر سؤال ببرد؛ برای مثال، دربارۀ اینکه آیا مسلمان می‌تواند برای کافر کار کند و زیردست او باشد و از او مزد بگیرد، بر این عقیده هستند که: «زیردست به این معنا که تحت سلطۀ غیرمسلمان باشد جایز نیست، اما حالا اگر کارگر مسلمانی است که کارفرمایش کافر است و به او می‌گوید چنین کاری را انجام بده و او هم انجام می‌دهد و ذلتی را هم نمی‌پذیرد، بلکه برای او کار می‌کند و مزدش را می‌گیرد؛ کارش هم اگر خلاف شرع نباشد و منافاتی هم با آن عزت و کرامت مسلمانی نداشته باشد، این نوع کار کردن اشکالی ندارد و مزدش هم حلال است.» (فلاح‌زاده، 1393).

 در سطح روابط بین‌الملل نیز به اصل استقلال اشاره و روابط با کشورها را براساس این اصل تنظیم می‌کنند: «اینکه ما در قضایای منطقه، در قضیۀ سوریه، در قضایای شبیه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به‌اصطلاح آمریکایی وارد بشویم -با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند- علت این است. آن‌ها نقشه‌ای دارند. هدف‌هایی را ترسیم کرده‌اند و مایل‌اند به آن هدف‌ها برسند و البته مایل‌اند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری از جمله جمهوری اسلامی استفاده کنند. اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آن‌ها بشود، معنایش این است که جدول کاری آن‌ها را پر و نقشۀ آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است و به‌ظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت، اما ضد استقلال سیاسی است» (بیانات در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، 14 خرداد 1395).

بدین ترتیب می‌توان گفت هر حرکتی که موجب خدشه‌دارشدن «عزت ملی» در انظار عمومی و بین‌المللی شود، قبیح و موردنکوهش است. عزتی که بی‌تردید برخاسته از اسلام، انقلاب و حضور دائمی مردم در صحنه‌ها است. پس خط قرمز مسئولان در مراودات و ملاقات با مسئولان سایر کشورهای جهان نیز باید حفظ همین «عزت ملی» باشد، چه آنکه «همۀ ملت ایران، همۀ دلسوزان، در این جهت متفق‌اند که عزت ملی برای یک کشور بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود، ولی اگر یک ملت تحقیر شود، همه‌چیز او حتی ثروت و امنیتش به بازی گرفته خواهد شد. عزت ملی باید محفوظ بماند و مسئولان این را می‌دانند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، 1393: 94). این نوع ارتباط با غیرمسلمانان، منبعث از آموزۀ گران‌بهای «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» است که البته به معنای تعصبات مذهبی و نژادی نیست (باهنر، 1383)، بلکه حفظ عزت و شوکت اسلام در ساحت‌های گوناگون و شرایط مختلف اجتماعی است (منافقون: 8؛ آل‌عمران: 11). این‌گونه تعامل، شعاعی از صورت‌بندی نظام اجتماعی بر مدار توحید است. امتداد نگاه توحیدی همۀ ساحت‌های ارتباطی را فرامی‌گیرد و حضور خدا در عرصۀ حیات اجتماعی به همۀ ارتباطات مؤمنان به دین اسلام معنا می‌بخشد. به تعبیر حمید مولانا: «اگر ما تئوری توحید را مبنای ارتباطات میان‌فرهنگی و ارتباطات خانواده‌ها بگذاریم، می‌توانیم یک انقلاب به‌وجود بیاوریم» (مولانا، 1386).

تمسک به مشترکات یک اصل اساسی و ظرفیت فراگیر برای ارتباطات میان‌فرهنگی است. مشترکات در اندیشۀ آیت‌الله خامنه‌ای به سه سطح یا قلمرو ترسیم می‌شود: سطح جهان اسلام، سطح مؤمنان به ادیان توحیدی و سطح تعاملات انسانی.

**اصل تمسک به مشترکات**

حفظ وحدت و انسجام جهان اسلام به‌عنوان اولین قلمرو ارتباطات میان‌فرهنگی از دغدغه‌های اصلی آیت‌الله خامنه‌ای است که از نظریۀ «امت اسلامی» و «نگاه تمدنی» ایشان تأثیر می‌پذیرد. ارتباط مسلمانان با یکدیگر دارای بیشترین مشترکات قابل‌تمسک است که از مهم‌تری و برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به خدای واحد، قبلۀ واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد اشاره کرد: «مشترکات ما کعبه است. مشترکات ما وجود مقدس پیغمبر است. مشترکات ما محبت به اهل‌بیت و خیلی از مشترکات دیگر است. واجباتمان همه از مشترکات است. اینکه بنده در نماز قنوت بخوانم، شما نخوانی، این چیزی نیست که اختلاف ایجاد کند. اصل قضیه این است که به خدای واحد معتقد و به نبوت معتقد باشیم» (بیانات در دیدار وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه)؛ یعنی «اصول اصلی اسلام که اگر کسی آن‌ها را نداشت، مسلمان نیست، مشترک‌اند» (بیانات در 11 مهر 1368). تمسک به هرکدام از این‌ها می‌تواند مبنای مفاهمه میان فرق مختلف مسلمانان قرار گیرد. اعتقاد به دین واحد رابطۀ مسلمانان را به رابطۀ برادرانه تبدیل کرده است. «قرآن بعد از آنکه بحث «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُمَا» (حجرات: 9) را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: 10): مؤمنان به خدا، مؤمنان به دین و مؤمنان به راه انبیا با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ «فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ»؛ بین دو برادرتان اصلاح ایجاد کنید» (همان).

#### الف) پیامبر اسلام

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان اهمیت وحدت در میان امت اسلامی به وصیت‌نامۀ حضرت علی علیه‌السلام اشاره می‌کند که حضرت در آن به پیامبر اسلام به‌عنوان محور مشترک مسلمین تمسک می‌جوید و توصیۀ آن حضرت به «اصلاح ذات بین» را به اتفاق کلمه در میان امت اسلامی تفسیر می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ‌1381). آن حضرت به سخنان پیامبر اکرم (ص) تمسک می‌جوید؛ زیرا «وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهم‌ترین نقطۀ ایجاد وحدت است. قبلاً هم این را عرض کردیم که دنیای اسلامی می‌تواند در این نقطه به هم پیوند بخورد؛ اینجا جایی است که عواطف همۀ مسلمان‌ها در آنجا متمرکز می‌شود؛ این نقطه، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام است. سیاست‌مداران، نخبگان علمی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ما روی این نقطه تکیه کنند و همۀ مسلمان‌ها با این شعار به هم نزدیک شوند. موارد مورداختلاف را در نظر نگیرند. یکدیگر را متهم نکنند. یکدیگر را تکفیر نکنند و یکدیگر را از حوزۀ دین خارج نکنند. دل‌ها در سراسر امت اسلامی به یاد پیامبر و به عشق پیغمبر طراوت پیدا می‌کند. همۀ ما دلباخته و عاشق آن بزرگواریم» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، 13 اسفند 1372).

آیت‌الله خامنه‌ای با الهام از همین سخنان مبارک امام علی علیه‌السلام خطاب به علمای جهان اسلام می‌گوید: «اگر دیدید جایی، در بین امت اسلامی، اختلاف و شکافی وجود دارد، بروید آن شکاف را پرکنید. این، از نماز و روزه، فضیلتش بیشتر است (بیانات به مناسبت میلاد پیامبر و هفتۀ وحدت، 17 فروردین 1376). حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی‌ هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به‌وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، 1372). اگر چنین باشد، «امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجرۀ الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملت‌های مسلمان ، مذاهب اسلامی و طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است» (بیانات، در 12 تیرماه 1368).

در تاریخ بارها شاهد همزیستی فرق مختلف اسلامی بوده‌ایم. طبیعی است که وقتی قرآن کریم مسلمانان را به همزیستی با مسیحیان فرامی‌خواند، همزیستی میان مذاهب اسلامی را مسلم فرض کرده است؛ بنابراین اصرار بر اختلافات در جهان اسلام مایۀ تعجب آیت‌الله خامنه‌ای شده است و تلاش در این زمینه را خیانت قلمداد می‌کند: «سال‌های متمادی است -از زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی (رضوان‌الله تعالی علیه) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر- که این فکر پیدا شده است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید، اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الاّ نعبد الاّ اللَّه و لا نشرک به شیئا». آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبلۀ واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این خیانت نیست؟» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، 17 مرداد 1385)

**حج**

یکی از ظرفیت‌های همیشگی و زنده به‌عنوان عامل مشترک برای مسلمانان در اندیشۀ آیت‌الله خامنه‌ای، «حج» است. دربارۀ حج ابراهیمی که مهم‌ترین بستر ارتباطات میان‌فرهنگی میان مسلمان از سراسر جهان است، روایت جالبی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است. هشام بن حکم می‌گوید:

«از امام صادق علیه‌السلام دربارۀ فلسفۀ حج پرسیدم و ایشان فرمودند: ... پس اجتماع در حج از مشرق و مغرب را برای آنان قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر گروهی از تجارت سرزمینی به سرزمین دیگر سود کند و با آن کاروان‌دار و شتردار کسب منفعت کند و برای اینکه آثار رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و تعالیم و احادیث شناخته شود و روایاتش دانسته و یاد شود و فراموش نشود و اگر هر قومی (گروهی) فقط به سرزمین‌های خودشان و آنچه در آن است، اکتفا می‌کردند، نابود می‌شدند و سرزمین‌ها رو به ویرانی می‌نهاد و تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید. اخبار از بین می‌رفت و گزارش‌ها به‌دست مردم نمی‌رسید» (ابن‌بابویه، 1389).

در تعبیر حضرت علی علیه‌السلام کعبه نماد اسلام است (نهج‌البلاغه، خطبۀ 1). هویت برخاسته از آیین حج تمایزات فردی و فردگرایی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و جمع‌گرایی را به یک شاخص تبدیل می‌کند (بقره: 199). دیدارهای چهره‌به‌چهره و میان‌فردی در فضایی آکنده از معنویت و فارغ از تبلیغات تفرقه‌افکنانۀ رسانه‌های جمعی فرصت بی‌نظیری در اختیار حج‌گزاران قرار می‌دهد تا در یک ارتباط میان‌فرهنگی خالص، شناخت بیشتر و بهتری از مشترکاتشان داشته باشند. برنامه‌های مسموم رسانه‌های جمعی با معکوس نشان‌دادن واقعیت‌های در جریان، نگاه‌های مخاطبان را آلوده و آن‌ها را نسبت به همدیگر بدبین می‌کنند. به تعبیر مک‌کین: «این رسانه‌ها با تزریق الگوهای متعدد و متضاد، ملت‌ها و به‌ویژه نسل جوان و نوجوان را با بحران هویت فردی و اجتماعی مواجه می‌کنند (مک‌کوایل، 1380). موسم حج فرصت خوبی برای پالایش نگاه‌های آلوده در قبال همدیگر است. عمدۀ مبلغان وحدت در دنیای اسلام را کسانی تشکیل می‌دهند که فرصت‌های ارتباط میان‌فردی فراوانی با هم‌کیشان خود داشته‌اند. به همین دلیل امروزه بیشتر کسانی که در کنفرانس‌های برگزارشده در اقصی نقاط جهان اسلام مشارکت می‌کنند، افرادی هستند که قبلاً فرصت ارتباط چهره‌به‌چهره با دعوت‌کنندگان داشته‌اند. امام صادق علیه‌السلام یکی از فواید حج را همین رایزنی و تبادل فرهنگی دانسته و می‌فرماید: «اگر هر قوم و ملتی فقط از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و فقط به مسائل که در آن است بیندیشند، همگی نابود می‌گردند و کشورشان ویران می‌شود. منافع آن‌ها ساقط می‌‌شود و اخبار واقعی در پشت پرده قرا می‌گیرد» (حر عاملی، 1416: 309). موسم حج، بستر انتقال تجربیات گران‌بهای مسلمانان به یکدیگر و شناسایی نقاط قوت و ضعف همدیگر است. در پیام امام خمینی (ره) به حجاج آمده است: «حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید و راه‌های اتحاد بین همۀ طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید» (خمینی (ره)، 1386: 66). ایشان همچنین فرمودند: «حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و درصدد رفع مشکلات برآیند.» (پیام به کنگرۀ عظیم حج، 26 خرداد 1370) استفاده از فرصت ارتباط میان‌فرهنگی حج با شناسایی و ارتباط‌گیری با افراد متنفذ و برجستۀ کشورهای اسلامی که در نظریه‌های ارتباطی با عنوان رهبران افکار از آن‌ها یاد می‌شود، فواید حج را دوچندان خواهد ساخت. رویکرد ارتباطی پیامبر اکرم و ائمۀ معصومین علیهم‌السلام در موسم حج مبنی بر ارتباط‌گیری با سران قبایل، از اهمیت بسیار این شیوه پرده برمی‌دارد. هنجارهای فرهنگی موجود در میان مسلمانان دربارۀ حج و حاجیان نیز در تکمیل کارکردهای ارتباطی حج و گسترش آن نقش چشمگیری دارند. دیدار از حاجیان و پیگیری اخبار حج در نشست‌وبرخاست‌های سنتی در حقیقت تحقق جریان دومرحله‌ای ارتباط است که در مرحلۀ اول از رسانه‌ای مانند حج بر حج‌گزاران و در مرحلۀ بعد بر مسلمانان در سراسر جهان منتقل می‌شود.

در بیان آیت‌الله خامنه‌ای حج نماد و مظهر همزیستی میان مسلمانان است: «حج مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همۀ مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرامی‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان‌دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب‌کردن ذهن هریک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر فقط در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها احساس نمی‌کند. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز -یعنی احیای احساسات افرا‌ط‌آمیز ملی‌گرایی- این فاصلۀ وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به‌جای آنکه رقیب و معارض هویت واحدۀ اسلامی آن‌ها باشد، بخشی از آن و بیانگر سعۀ وجودی آن می‌شود و به‌جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانۀ نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌شود» (بیانات در دیدار دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب، 24 آذر 1395).

**ب) مسئلۀ فلسطین**

یکی از ظرفیت‌های مهم جهان اسلام به‌عنوان عامل مشترک و قابل‌تمسک، توجه به مسئلۀ فلسطین است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز مانند امام خمینی فلسطین را مسئلۀ اول جهان اسلام قلمداد کرده‌اند. فهم این نکته بسیار مهم است که چرا حضرت امام (ره) فلسطین را در کانون توجه جهانیان قرار دادند. چرا آیت‌الله خامنه‌ای در عمدۀ سخنرانی‌های خود این نکته را متذکر می‌شوند که مواظب باشید مسئلۀ فلسطین فراموش نشود؛ نه‌فقط فراموش نشود، حتی از مسئلۀ اصلی جهان اسلام به یک مسئلۀ فرعی تبدیل نشود: «یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه، مقابلۀ همگانی با گروه‌های تکفیری نظیر داعش، جبهۀ النصره و دیگر گروه‌ها است؛ چرا که در غیر این صورت، به‌علت بحران‌آفرینی مستمر تکفیری‌ها، مسئلۀ فلسطین در حاشیه خواهد ماند (بیانات در دیدار مسئولان و شخصیت‌های علمی سیاسی، 17 فروردین 1389).

به نظر می‌رسد مسئلۀ فلسطین علاوه بر اینکه ظرفیتی عظیم برای همگرایی میان مسلمانان است، مسئلۀ هویتی جهان اسلام نیز به‌شمار می‌رود: «مسئلۀ اصلی، مسئلۀ قبلۀ اول مسلمین، مسجدالاقصی است. این‌ها مسائل اصلی است» (بیانات در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام، 13 اردیبهشت 1388). تعرض به فلسطین و اشغال آن تعرض به جهان اسلام است.

**ج) کشتی نجات**

ارتباط میان مسلمان در گسترۀ محدودتر، در میان شیعیان متصور است. دغدغۀ همیشگی وحدت جهان اسلام در اندیشۀ آیت‌الله خامنه‌ای و ذهن تحلیل‌گر و دوراندیش ایشان همواره در جست‌وجوی راه‌های مشترک بوده است که بتواند مسلمانان سراسر جهان را در گنگره‌هایی گرد هم آورد و امکان تفاهم میان آن‌ها را افزایش دهد. یکی از ظرفیت‌هایی که با تأمل در آموزه‌های دینی و سیرۀ معصومین به آن توجه می‌دهد، زیارت اربعین امام حسین علیه‌السلام است. تمسک به ظرفیت کم‌نظیر «کشتی نجات» و پیشنهاد برپایی کنگره‌ای در مقیاس جهانی در روزگاری (1352) که فقط یک آرزو تلقی می‌شد، امروز به حقیقت پیوسته و نه‌تنها شیعیان و اهل سنت، بلکه غیرمسلمانان را نیز در خود جای داده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ظرفیت بالای زیارت اربعین می‌گوید: «می‌دانید یکی از علائم ایمان زیارت اربعین است؟ بنده نمی‌دانم این روایت چقدر صحیح است. اصراری هم ندارم که بگویم معنای این روایت همینی است که من گمان کردم. شیعه یک جمع متفرقی بود. یک جامعه‌ای بود که در یک‌جا در یک مکان زندگی نمی‌کردند. در مدینه بودند، در کوفه بودند، در بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند، اطراف و اکناف بلاد. اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای متشتت در جریان بود که مثل دانه‌های تسبیح یک رشته و یک نخ همۀ این‌ها را به هم وصل می‌کرد. چه بود آن رشته؟ رشتۀ اطاعت و فرمانبری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع یعنی امام. همۀ این رشته‌ها به آنجا متصل می‌شد. قلبی بود که به همۀ اعضا فرمان می‌داد و به این ترتیب تشیع یک سازمان و یک تشکیلاتی بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند، اما بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. اطاعت و فرمانبری آن‌ها به حساب بود، فریادزدنشان از روی دستور بود، سکوتشان بر طبق نقشه بود. همه چیزشان با حساب بود. فقط یک عیبی کار آن‌ها داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می‌دیدند. اهل یک شهر، شیعیان یک منطقه البته یکدیگر را می‌دیدند. اما یک کنگرۀ جهانی لازم بود برای شیعیان روزگار ائمه (علیهم السلام). این کنگرۀ جهانی را معین کردند. وقتش را هم معین کردند. گفتند در این موعد معین در آن کنگره هرکس بتواند شرکت کند. آن موعد روز اربعین است و جای شرکت، سرزمین کربلا است. چون روح شیعه روح کربلایی است، روح عاشورایی است. در کالبد شیعه تپش روز عاشورا مشهود است. شیعه هرجا که هست، دنباله‌روی عاشورای حسین است. این هم که می‌بینی همه جا این تپش‌هایی که در شیعه مشهود شده، از آن مرقد پاک ناشی شده... اگر امروز هم بتوانند شیعیان آن سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعادی قرار بدهند. البته بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و همین دنباله‌گیری از راهی است که از ائمۀ هدی (ع) به ما ارائه دادند» (بیانات در مسجد امام حسن مجتبی (ع)، مشهد، ۲۴ اسفند ۱۳۵۲).

**ادیان توحیدی**

سطح دیگر ارتباطات میان‌فرهنگی، بر محور ادیان توحیدی صورت می‌گیرد؛ یعنی مهم‌ترین عامل قابل‌تمسک برای همۀ افرادی که در این قلمرو سکنی گزیده‌اند، باور به خدای واحد است. جایگاه و ارزشی که همۀ ادیان توحیدی به حضرت ابراهیم علیه‌السلام قائل هستند نیز بسیار حائز اهمیت و شایان توجه است. قرآن کریم ضمن اینکه حضرت ابراهیم را اسوۀ موحدان عالم معرفی می‌کند (عباسی‌مقدم، 1386: 142)، از طریق تکرار اسم او (69 بار) پیروان ادیان توحیدی را به این مهم توجه می‌داد که می‌توان مشترکات را به‌عنوان نقطۀ عزیمت تعاملات ارتباطات میان‌فرهنگی قرار داد و از این ظرفیت در جهت حل بسیاری از اختلافات به‌ظاهر مهم استفاده کرد. اگر حضرت آدم لقب «ابوالبشر» دارد، حضرت ابراهیم «پدر معنوی» همۀ ادیان توحیدی است. وحدت بر محور آموزه‌های این پدر معنوی الگوی تعامل میان معتقدان به ادیان توحیدی را ترسیم می‌کند. حضرت ابراهیم اسوۀ مبارزه با شرک است. آیۀ 4 سورۀ ممتحنه ابراهیم بت‌شکن را به‌عنوان یک الگو و اسوه در دفاع از مسئلۀ توحید و مبارزۀ قاطع و کوبنده با شرک معرفی کرده و گواه روشنی بر سازش‌ناپذیری پیروان مکتب توحید با آلودگان به شرک و بت‌پرستی است. اسوه‌بودن حضرت ابراهیم و یارانش به این معنا است که هیچ‌گونه سازشی میان توحید و شرک وجود ندارد؛ اگرچه مؤمنان در اقلیت باشند؛ زیرا پیروان ابراهیم در مقایسه با قوم نمرود در اقلیت بودند، ولی با آن‌ها مماشات نکردند. نمرود مصداق تام و تمام استکبار آن دوران بود. حضرت ابراهیم تن به خواسته‌های استکبار زمان نداد و این درس بزرگی برای پیروان ادیان توحیدی به‌خصوص مسلمانان است (مکارم شیرازی، 1386، ج 3: 146-148). «با دقت در مضمون آیات حکایت‌کنندۀ احتجاج ابراهیم با نمرود، مجادلۀ او با خورشیدپرستان، گفت‌وگو با پدر و راز و نیاز با خدا و دیگر آیات، روشن می‌گردد که خدامحوری و توحید، محور تمام تلاش‌های تبلیغی و بلکه محور حیات پربرکت اوست.» حضرت ابراهیم نه اهل انزوا و عزلت‌گزینی، بلکه اهل گفت‌وگو بود و با همۀ مخاطبان در هر سطح و هر عقیده‌ای به گفت‌وگو و مناظره می‌پرداخت (عباسی‌مقدم، 1386: 143).

نماز در پشت مقام ابراهیم (در مسجدالحرام) علاوه بر یادآوری نقش حضرت ابراهیم و اسماعیل در حج، قلمروی یکرنگی را به ادیان توحیدی دیگر نیز می‌گستراند و از این منظر نماد وحدت همۀ مؤمنان عالم به‌شمار می‌رود. اگر حضرت ابراهیم در قرآن کریم اسوۀ تمام‌نمای عالمیان معرفی ‌شده است، در اینجا نیز نقش هویتی برای مسلمانان و به‌ویژه برای مؤمنان به ادیان توحیدی به‌طور عموم ایفا می‌کند.

امروز مشترکات مسلمانان با پیروان ادیان توحیدی نه‌فقط در باور به جایگاه محوری حضرت ابراهیم به‌عنوان یک الگو، بلکه در احترام فوق‌العادۀ دین اسلام به حضرت موسی و حضرت عیسی نیز منعکس شده است. «نام حضرت موسی در قرآن، 143 مرتبه آمده و فرازهای برجستۀ زندگانی و دعوت او در 34 سورۀ قرآن و در قالب حدود 420 آیه بیان شده است. این مطلب نشان می‌دهد قرآن به‌عنوان کتاب کامل دعوت و انسان‌سازی و جامعه‌سازی، به زندگی حضرت موسی توجه زیادی داشته است (همان: 173). همچنان که نام حضرت عیسی 25 بار با عنوان «عیسی» و 11 بار به‌صورت «مسیح» در قرآن کریم آمده است» (همان: 198). ویژگی مشترک هر سه پیامبر دعوت به توحید و خداپرستی است که کامل‌ترین شکل آن در پیامبر بزرگ اسلام تجلی و عملی شده است؛ یعنی همۀ ویژگی‌های پیامبران گذشته در پیامبر اسلام جمع شده است. از این‌رو پیامبر اسلام خاتم پیامبران و دین او کامل‌ترین و جامع‌ترین است. هم ادیان گذشته بر پیامبر اسلام بشارت داده‌اند و هم دین اسلام ادیان گذشته را تصدیق کرده است. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دربارۀ حضرت مسیح نشان می‌دهد الگوی آیت‌الله خامنه‌ای در تعامل با دنیای مسیحیت برگرفته از قرآن کریم است و تمسک به مشترکات هم یک اصل و هم یک ظرفیت برای ارتباطات میان‌فرهنگی در اسلام تلقی می‌شود: «ارزش حضرت مسیح علیه‌السلام از نظر مسلمانان، بلاشک کمتر از ارزش و قدر و قیمت آن حضرت در چشم مسیحیان مؤمن به مسیحیت نیست (بیانات در خطبۀ نماز عید فطر، 7 دی 1379). آن پیامبر برگزیدۀ خدا، مردم را به راه خدا که راه خوشبختی انسان است دعوت می‌کرد. لازمۀ پیروی از حضرت عیسی علیه‌السلام، طرفداری از حق و بیزاری از قدرت‌های ضد حق است. امید است که مسیحیان و مسلمانان در هر نقطۀ جهان، این درس بزرگ حضرت مسیح علیه‌السلام را در زندگی و عمل خود زنده بدارند.» (پیام به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع)، 12 دی 1372).

**انسانیت**

قلمرو انسانیت وسیع‌ترین و فراگیرترین قلمروی ارتباطات میان‌فرهنگی از نظر اسلام است. تمسک به اصل انسان‌بودن و ادبیات معطوف به «همنوعی» اگرچه در نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای و موضع‌گیری‌های سیاسی وی در قبال تحولات جهان معاصر تبلور دارد، اما در نامۀ دوم ایشان به جوانان غربی به شکل بارزتری برجسته شده است: «رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به‌خودی‌خود برای همنوعان اندوه‌بار است. منظرۀ کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سویی می‌برد، و یا تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پردۀ نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می‌شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه.» (نامۀ دوم رهبر معظم انقلاب به عموم جوانان غربی، 8 آذر 1394). به نظر آیت‌الله خامنه‌ای چیزی که سبب می‌شود حتی عواطف و ارزش‌های انسانی و اخلاقی نادیده انگاشته شود، منافع دولت‌ها است: «و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جست‌وجو کرد» (همان). این‌گونه ادبیات مربوط به نامه‌های کنونی آیت‌الله خامنه‌ای نیست. ادبیات تمسک به اصل انسان‌بودن در نامه به جوان مسیحی در سال 1359، که اولین نامۀ ایشان به یک جوان غربی است، نیز وجود دارد: «برادر مسیحی عزیزم، کاش این احساسات پاک می‌توانست به سود ملت ستمدیدۀ ما -که اگر هم‌کیش شما نیست، همنوع شما است- به‌کار بیفتد. ما با ملت انگلیس و آمریکا هیچ کینه‌ای نداریم. ما هر انسانی را در هر جای جهان و با هر عقیده‌ای محترم می‌شماریم» (دستخط نامۀ رهبر انقلاب به جوان غربی، مندرج در وبگاه فارس نیوز، 5 دی 1394). استفاده از عنوان «برادر» در مطلع نامه و تصریح به «همنوع»بودن در متن نامه تداعی‌کنندۀ نامۀ امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر است که فرمود: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دستۀ دیگر مانند تو در آفرینش» (نهج‌البلاغه، نامۀ 53). گو اینکه همنوع‌بودن دلیل کافی است بر اینکه انسان‌ها در هر نقطه‌ای از جهان به فکر همدیگر باشند و در قبال مصائب هیچ انسانی بی‌تفاوت نباشند. همین نگاه آیت‌الله خامنه‌ای سبب می‌شود که «مشاور بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه با اشاره به نامۀ مقام معظم رهبری به جوانان غرب از ایشان به‌عنوان رهبری فراتر از مرزهای جغرافیایی یاد کند و بگوید: رهبر ایران به دنیا به دیدۀ یک خانواده انسانی می‌نگرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبری بشردوست هستند و در سطح انسانی می‌اندیشند» (خبرگزاری تسنیم، شخصیت‌های دربارۀ نامۀ رهبر انقلاب به جوانان غربی چه می‌گویند؟ 11 آذر 1396) و شاید به همین دلیل امیرحسین ثمالی نامۀ آیت‌الله خامنه‌ای به عموم جوانان غربی را «دیپلماسی فطرت» نام نهاده است (ثمالی، 1393)؛ چرا که خطاب نامه فطرت انسانی است که در جوانان هنوز نخفته است.

# نتیجه‌گیری

ارتباطات میان‌فرهنگی ویژگی اساسی عصر حاضر است که در اثر کمرنگ‌شدن مرزهای جغرافیایی شدت و گسترش بیشتری پیدا کرده و مسائل اساسی هنجارشناختی را با خود به‌همراه آورده است که نمی‌توان به‌سادگی آن را نادیده گرفت؛ بنابراین در این خصوص مراجعه به آرای دانشمندان و متفکران برجستۀ جهان اسلام به‌ویژه متفکران معاصر ضرورت دارد. آیت‌الله خامنه‌ای عالم و دانشمندی است که به‌دلیل هردو ویژگی (برجسته‌بودن و معاصر‌بودن) حائز اهمیت و شایسته مراجعه است. پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش اساسی که اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست، سامان یافت و با هدف پاسخ به مسئلۀ تحقیق، آرا و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کرد و به نتایجی دست یافت؛ از جمله اینکه: 1. ارتباط میان‌فرهنگی در عصر حاضر گریزناپذیر است و نمی‌توان به‌‌دلیل مشکلات احتمالی، مسلمانان را از این‌گونه ارتباطات نهی کرد؛ 2.تعاملات مسلمانان در همۀ ساحت‌های ارتباطی از جمله در ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی تأثیر می‌پذیرد؛ به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود ارتباطات مسلمانان بازنمود هویت اسلامی آنان باشد؛ چرا که کنش مسلمان در همۀ ساحت‌های ارتباطی متأثر از باورها و ارزش‌های بنیادین آنان است؛ 3. از طبقه‌بندی مجموعۀ اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در عرصۀ مربوطه مشخص شد دست‌کم چهار اصل (دعوت، عدالت، حفظ استقلال و عزتمندی و تمسک به مشترکات) در ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی قابل‌اعتنا است؛ 4. ارزیابی موفقیت و سلامت ارتباطات مسلمانان از طریق اصول حاکم بر کنش‌های اجتماعی آنان میسر است که به‌مثابۀ چارچوب‌های هدایت بخش عمل می‌کنند؛ 5. اصل دعوت از نظر شمولیت و اهمیت، حاکم بر سایر اصول پنج‌گانه است و این نکته را گوشزد می‌کند که شایسته است. همۀ حرکات و سکنات مسلمان در ساحت‌های ارتباطات میان‌فرهنگی تداعی‌کنندۀ اسلام باشد و طرف‌های ارتباطی را به دین اسلام خوش‌بین کند. 6. اصل تمسک به مشترکات از نظر زمینه‌سازی برای ارتباطات موفق، نسبت به سایر اصول تقدم رتبی دارد؛ به‌ویژه از این نظر که مهم‌ترین سازوکار نظریه‌های ارتباطات میان‌فرهنگی برای موفقیت‌آمیزبودن ارتباطات استفاده از مشترکات طرفین ارتباط است؛ 7. وزن رعایت اصول، متناسب با مخاطب و در موقعیت‌های مختلف فرق می‌کند؛ این‌گونه نیست که همۀ اصول در همۀ موقعیت‌ها قابل‌عمل باشد؛ ممکن است در جایی تمسک به مشترکات و در جای دیگر حفظ عزت جامعۀ مسلمانان اولویت داشته باشد.

# منابع

* ابن‌بابویه (صدوق)، محمدبن‌علی (1389). *علل‌الشرائع*. حسین قاسمی. چاپ اول. قم: وانک.
* اسمیت، آلفرد (1383). *ارتباطات و فرهنگ*. جلد 3. ترجمۀ طاهره فیضی، مهدی بابایی و اکرم هادی‌زاده. تهران: سمت.
* باهنر، ناصر (1383). ارتباطات در جامعۀ اسلامی متکثر فرهنگی. *فصلنامۀ پژوهشی امام صادق (ع)*، *21*، 97-99.
* ثمالی، امیرحسین (1393). پردۀ جهل جوانان اروپا و آمریکا و دیپلماسی فطرت رهبری. *ویژه‌نامۀ دیپلماسی فطرت*، *اندیشکدۀ برهان*، 9-17.
* حر عاملی، محمدبن حسن (1416). *وسائل الشیعه*. قم: آل البیت لإحیاءالتراث.
* حیدری، محسن (1397). دیدگاه امام خمینی (ره) در تقیۀ مداراتی و تأثیر آن در همگرایی مسلمین. *میقات حج*، *106*، 89-110.
* خامنه‌ای سیدعلی (1394). *نامۀ دوم به عموم جوانان غربی*. 8 آذر.

ــــــــــــــــ (1370). *پیام به کنگرۀ عظیم حج*. 26 خرداد.

ــــــــــــــــ (1372). پیام به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع). 12 دی.

ــــــــــــــــ (1394). دستخط نامۀ رهبر انقلاب به جوان غربی، مندرج در وبگاه فارس نیوز. 5 دی.

* خبرگزاری تسنیم، شخصیت‌ها دربارۀ نامۀ رهبر انقلاب به جوانان غربی چه می‌گویند؟ 11 آذر 1396.
* خمینی الموسوی، سیدروح‌الله (1386). *صحیفۀ نور*. تهران: مؤسسۀ تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).
* خوئی، سید ابوالقاسم (1418). *تنقیح فی شرح عروة الوثقی*. ج 4. قم: مؤسسۀ احیاء آثار الامام الخوئی.
* عاملی، سعیدرضا (1389). دو جهانی‌شدن‌ها و ارتباطات بین‌تمدنی؛ تحلیل روشمند ارتباط بین فرهنگی در جهان. *تحقیقات فرهنگی ایران*، *3*(9)، 1-37.
* ــــــــــــــ (1395). *استثناگرایی آمریکایی، اروپامرکزی و دیگری‌سازی مسلمانان*، تهران: امیرکبیر.
* عباسی‌مقدم، مصطفی (1386). *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*. قم: بوستان کتاب.
* *فلاح‌زاده، پاسخ به سؤالات شرعی مخاطبان دربارۀ احکام ارتباط بین صاحبان مذاهب و ادیان، مندرج در وبگاه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای، 17 دی 1393.*

مک‌کوایل، دنیس (1380). *مخاطب‌شناسی*. ترجمۀ مهدی منتظرقائم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات و رسانه‌ها.

* مکارم شیرازی، ناصر (1386). *پیام قرآن*. ج 3. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
* مولانا، حمید (1386). ارتباطات بین‌الملل در جوامع اسلامی. متن پیاده‌شدۀ سخنرانی در دانشگاه امام صادق (ع). 17 آذر.

یوسف‌زاده، حسن (1397). مسئله‌شناسی ارتباطات میان‌فرهنگی. معرفت فرهنگی-اجتماعی، *9*(4)، 5-24.

Samovar, *L. A., Richard, E. P., & Edwin R. M. (1998). Intercultural Communication: A Reader* (13th Ed.). Cengage Learning.

Utley, D. (2004). *Intercultural Resource Pack*. Cambridge: Cambridge University Press.

Toomey, T. S. (1999). *Communicating across Cultures*. New York: Guilford Press.

http://s15.khamenei.ir/ndata/news/weekly/files/130/khattehezbollah\_94-pdf-file.pdf

1. ۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه؛ usefzadeh.h@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)